

علیه سرمایه

تریبون کارگران ضد سرمایه داری
شماره چهل و پنجم / آذر هزار و چهارصد

آب، سرمایه سرمایه داران، کار و بیکاری مرگزی کارگران

۱۷ اکتبر روز جهانی مبارزه با فقر

رژیم اسلامی سرمایه و قتل عام کارگران درمان

کنفرانس گلاسکو، هیاهویی فریبکارانه

مزد برای خانه داری مطالبه ماست

زنان سرپرست خانواده

کودکان کار



آب، سرمایه سرمایه داران،

کار و بیکاری مرگزای کارگران

کارگران ضد سرمایه داری / آذر ۱۴۰۰

سالیان متوالی است که هر چندگاه یک بار، اصفهان و شهرهای اطراف، زنجیروار، محل برگزاری شکل خاصی از تظاهرات می گردد. در طول روزهای اخیر هم بستر تفتیده زاینده رود محل نمایش این صف آرائی اعتراض آمیز بود. جمعیت کثیری با برپا کردن چادر، شب ها به اعتراض ادامه دادند و برای دریافت «حقابه» رسم تحصن به جا آوردند. در میان انبوه ناراضیان عاصی حاضر در کمپین ها، در طول این سالها، همه نوع آدم، از همه طبقات متخاصم و متضاد یافت می شود!! سرمایه داران زمینداری که برای نشان دادن موج خشم خود علیه بی آبی!!، اسفالت خیابانها را کوهپایه صیفی جات یا مسیل آب میوه می سازند، سیلاب شیر بر سنگفرش جاده ها جاری می کنند. به دولتیان اخطار می دهند: «نه فقط محتاج غرامت نیستند که آماده اند تا چند ده برابر غرامت ها زکات پردازند و صدقه دهند». در کنار این جماعت زمیندار صاحب سرمایه، توده وسیع کارگران گرسنه، خانه به دوش و تشنه را می بینیم که با مزدهای ماهانه محقر، قادر به خرید چند دانه گوجه فرنگی برای سد جوع روزانه نیستند، خیال خرید هر میوه ای را از حافظه خود پاک نموده

که هر کدام قطعه زمین کوچکی دارند. چند صد، شاید چند هزار مترمربع که از گذشتگان ارث گرفته اند. زمینهایی که دولت، صاحبان کشت و صنعت یا سرمایه داران زمیندار، آنها را مساعد سرمایه گذاریهای بزرگ سودآور ندیده و از خیر الحاقشان به اراضی بزرگ مکانیزه چشم پوشیده اند. در یک کلام این بخش از جمعیت عاصی، مانند توده وسیع دومی ها، کارگرد، فروشندگان نیروی کارند، در همان حال شبها، عصرها، روزهای تعطیل، خود و خانواده روی قطع زمین کذائی کار می کنند تا شکاف ژرف میان مزد خود و هزینه واقعی بازتولید نیروی کارشان را کم عمق تر سازند یا احیانا پر کنند!! در شروع بحث از اعجاب مشهود در تظاهرات گفتیم. تعجیبی که در ترکیب طبقاتی از بیخ و بن متضاد نیروهای برگزار کننده و تشکیل دهنده کمپین ها نهفته است. چه چیزی این طبقات متخاصم را کنار هم گرد آورده و اهل اجماع ساخته است ظاهرا آب است. همه از «آب» می گویند. لفظی که بسیار ساده، حیاتی و عامه فهم است، آن قدر ملموس و بی نیاز از توضیح که هر طفل شیرخواری پروسه تکلم خود را با آن آغاز می کند، مسأله بنیادی اما آنست که

اند، کودکانشان حسرت استکانی شیر بر جگر دارند و اگر شیرخوارند از مکیدن سینه خشک مادر گرسنه، رمق از دست داده اند. تلون طبقاتی آمیخته با همراهی تعجب زای معترضان، به اینجا ختم نمی شود. پهلو به پهلو نیروهای فوق، با خیل کثیر زن، مرد، پیر، جوانی مواجه می شویم که خود را «کشاورز» می خوانند، از «قهدریجان»، درچه پیاز، دستگرد خیار، محمدآباد، خوراسگان و نواحی مشابه آمده اند. نه کامیون گوجه و صیفی جات دارند که با خالی کردن آنها خیابانها را بند آرند، نه زنجیره طویل تانکرهای شیر که با گشودن «شیر» آنها زاینده رود تفتان را رودخانه شیر سازند و نه هیچ سرمایه، بانک، بنیاد، «آستان»، «قرارگاه» که با رجوع به آن، توان اقتصادی دولت سرمایه داری را تحقیر کنند. اینها هیچ قرباتی با دسته نخست ندارند. بالعکس، بخشی از دومی ها هستند، روزها برای صاحبان سرمایه کار می کنند، از هشت ساعت کار ۴۵ دقیقه اش مزد می گیرند و ۷ ساعت و ۱۵ دقیقه اش کار اضافی یا اضافه ارزش و سرمایه تحویل طبقه سرمایه دار می دهند. چرا این جمعیت با این توصیف خود را کشاورز می نامند؟! ظاهرا دلیلش آنست

همین واژه بسیار ساده در اینجا، در این تظاهرات گسترده، کوهی از اسرار و رموز را در خود دارد. آب در این کمپین برای اولی ها، برای آنان که تانکرهای عظیم شیرشان، خیابان ها را شط شیر یا کوهپایه صیفی جات می سازد، «سرمایه» است. سرمایه ثابت، مثل جزء ثابت کل سرمایه های دنیا، همسان ماشین آلات، زمین، کارخانه، تمامی ابزار کار و تولید، سیستم حمل و نقل، کالا - سرمایه، تأسیسات، مستغلات، تنها تفاوتش با اینها آنست که سرمایه دار برای تهیه، تصاحب و پیش ریزش حتی کار اضافی، کار بدون هیچ مزد کارگران را هم هزینه نکرده یا هزینه بسیار اندکی متقبل شده است. پدیده ای حیاتی از طبیعت که صاحب سرمایه آن را تاراج و سرمایه سودآور خود ساخته است. با پیش ریز آن، جمعیت عظیم فروشندگان نیروی کار را استثمار می کند و کوه اضافه ارزش ها را به چنگ می آرد، آب برای سرمایه داران معترض این نقش را دارد و آنان وقتی از تشنگی می گویند، عطش سیری ناپذیر سرمایه های خویش برای بلعیدن رودهای سود را بر زبان می رانند. اینها در این تظاهرات از نظر نفوس عدد چندانی نیستند، بر سهم آب که سرمایه است با هم در جدال نیز هستند. اما اگر «از شمار دو چشم یک تن»، «و از شمار قدرت هزاران بیش» می باشند، با تمام تشنگی که بر سر سهام سرمایه و سود دارند، همگی از طبقه سرمایه دار و عضو انجمن اخوت سرمایه اند. صاحبان سهام بزرگ در مالکیت سرمایه ها و حصه مطلوب در ساختار قدرت و حاکمیت سرمایه می باشند. اگر در طول این چهار دهه، هر سال سهم بزرگتری از آبهای دیاله، کرخه، کارون از طریق کوه رنگ یا هر مسیر دیگر به سمت زاینده رود هدایت شده است، برای پرورش ساختن سیلاب سود این جماعت بوده است. «طرح طوبی» در سالهای شروع

این چهار دهه نیز که حاصلخیزترین زمینها را عرصه پیش ریز سرمایه اهدائی بانکهای رژیم اسلامی ساخت با هدف تحکیم پایه های مالکیت این سرمایه داران اجرا شد، به آنان «طوبی لهم و حسن مآب» می گفت. جواز کشت و صنعت ها، گاوآریها، مرغداریها، باغهای میوه و صیفی کاری های این جزء طبقه سرمایه دار بود. آب در مورد توده وسیع کارگرانی که در این تظاهرات شرکت دارند، اعم از کارگران مهر «کشاورز» بر کتف یا جمعیت عظیم تر فاقد این مهر هم، معانی اسرارآمیزی دارد. در نخستین گام شرط حتمی زنده ماندن است. اما این نه فقط همه ماجرا نیست که جزء اساسی آن نیز نمی باشد. کارگران عاصی حاضر در این کمپین فقط نیاز خود به آب شرب را فریاد نمی زنند، عده بسیار کثیری از آنان کارگران همان مالکان سرمایه، همان صاحبان مزارع عظیم کشاورزی، دامداری، مرغداری، صیفی کاری یا جالبی کاری مکانیزه هستند. اینها با کاهش آبی که سرمایه سرمایه داران است، شمشیر آخته بیکاری را بالای سر خود در چرخش می بینند. از وحشت گرسنگی ناشی از بیکاری می لرزند. توده وسیع کارگر حاضر در تظاهرات در همان حال که آب شرب و بعضاً آبی برای کاستن از شکاف فاحش میان مزد و هزینه سهمگین بازتولید نیروی کار برای فروش به سرمایه داران می خواهند، از بیکار شدن دهشت دارند. دهشتی مرگ آور که سرمایه بر وجودشان افکنده است. دهشتی که در تظاهرات اصفهان یا موارد مشابه، آنها را نه مقابل سرمایه دار، نه علیه جنایت سرمایه که به شکل فاجعه آمیزی پشت سر سرمایه دار قرار داده است. چرا؟ پاسخ خود این کارگران شاید این باشد که برای جلوگیری از بیکاری و گرسنگی مجبور شده اند با صاحبان سرمایه همصدا گردند؟ پاسخی که خود، فاجعه

سهمگینی مزید فاجعه همصدائی با گفتاران زشت صاحب سرمایه است. پاسخ واقعی این است که کارگران زیر آوار وارونه بینی های تولید شده توسط سرمایه، گمراهه رفتن های نسخه پیچی شده توسط احزاب مدعی رهائی طبقه کارگر، حتی وقتی علیه شدت استثمار و بدترین بشرستیزی های سرمایه دست به کارزار می زنند، همین کارزار را هم به دار قدرت سرمایه می آویزند، به نسخه های پیچیده سرمایه قفل می کنند، حتی اگر علیه دولت سرمایه قیام می کنند باز هم با سر سرمایه به پیش می تازند. معضل اساسی اینجا و این گره کور است که باید وا گردد. کارگران می توانند و یقیناً می توانند بنیاد اعتراض خود را بر قهر آگاه طبقاتی علیه اساس سرمایه داری استوار کنند، در مبارزه برای بهبود معاش، حقوق انسانی، آزادیهای سیاسی و اجتماعی، اشتغال، علیه بی آبی، تبعیضات جنسیتی، آلودگیهای زیست محیطی و در هر قلمرو دیگر به قدرت سازمان یافته شورائی خود اتکاء نمایند، یک قدرت متحد شورائی ضد سرمایه داری گردند. راه پیکار برای تسلط بر سرنوشت کار، تولید و زندگی را پیش گیرند، اینها شعار نیست، توده کارگر همواره این ظرفیت را داشته و دارد که مبارزه روز خود را مبارزه ای رادیکال علیه سرمایه داری سازد، از جمله در همین حوزه معین آب، الگوی خاص طبقاتی و سرمایه ستیز خویش برای خارج سازی کل آبهای سطح الارضی و تحت الارضی از سرمایه بودن، از سرمایه طبقه سرمایه دار بودن و به کارگیری آن به عنوان عنصر طبیعی پاسخگوی نیازهای واقعی و حیاتی انسانها را پیش کشد و برای تحقق آن جبهه پیکار گشاید. کارگران می توانند و باید چنین کنند، در غیر این صورت وضع همین است که هست و هر روز فاجعه بارتر خواهد گردید.



۱۷ اکتبر روز جهانی مبارزه با فقر

فریده ثابتی / آذر ۱۴۰۰

۱۷ اکتبر روز جهانی مبارزه با فقر بود!!، اما نظام بانی و باعث فقر ۶ میلیارد انسان، چرا بحث مبارزه با فقر را پیش می کشد؟! جواب روشن است. سرمایه خود خالق کلیه اشکال فقر و یگانه عامل فقیر شدن انسانها است. چگونه جهان سرمایه داری می خواهد با فقر و پیامدهای آن مبارزه کند در حالی که فقر از شرايطی که خود سرمایه داری حاکم کرده است بر می آید؟! در برشماری دلایل فقر هیچ اثری از خود سرمایه داری نیست. می گویند فقر یا ناشی از مشکلات زیست محیطی است، یا درگیری ها و خشونت و جنگ و یا بیکاری. اما گفته نمی شود که مشکلات زیست محیطی از آلوده شدن آب، از سوراخ شدن لایه اوزن و گرمایش زمین، جنگ و درگیری ها از چه ناشی می شود. گفته نمی شود اگر مردم افغانستان، یمن، لیبی، سوریه، آفریقا و ... با فقر دست به گریباند، نقش ناتو و کشورهای سرمایه داری و نقش صنایع نظامی در این فقر چه بوده است. اگر مردم قاره آفریقا با فقر و مهاجرت و مرگ روبرو هستند از نقش استعماری اروپا و کشیده شدن شیره ی جان قاره، و حمایت های بعدی شان از حکومت گران مستبد صحبت نمی شود. هیچ صحبتی از پاسخگویی آن ها به فقری که ایجاد کرده اند نیست. در همین مساله افغانستان دریغ حتی از یک عذر خواهی از مردم و تاوان آن. گذشته از سایر کشورها که برایش نشست های پرزرق و برق برقرار می کنند و تصمیم می گیرند که تا سال ۲۰۲۵ فقر را به نصف تقلیل خواهند داد و حالا خودشان به این نتیجه رسیده اند که فقر مثل گلوله ی برفی می غلند و بزرگ و بزرگ تر می شود. کشورهای فقیر پیش کش شان فقر در خود کشورهای پیشرفته اروپا و آمریکا در حال گسترش است.

در این ماه گلوبال هنگر ایندکس - Globalhunger-Index -

گزارش سال ۲۰۲۱ خود از مساله گرسنگی در جهان با استفاده از داده های منابع مختلف از جمله یونیسف، بانک جهانی، صندوق بین المللی برای توسعه کشاورزی، سازمان بهداشت جهانی و منابع دیگر از افراد و سازمان ها، مساله فقر و گرسنگی و به طور ویژه مرگ و میر کودکان، سوء تغذیه، تاخیر در رشد، لاغری یا پوست و استخوانی شدن به ویژه در کودکان را با توجه با سه عامل یعنی پاندمی کوید ۱۹، تغییرات محیط زیست، و خشونت و درگیری های داخلی مورد توجه قرار داده است.

طی یک سال گذشته شمار فقرا در جهان افزوده شده است به نحوی که ۸۱۱ میلیون نفر از فقر دچار گرسنگی اند. در کشورهای سومالی، یمن، افغانستان، ماداگاسکار و سودان جنوبی ۴۱ میلیون نفر به طور وحشتناک با گرسنگی مواجه اند. از ۱۲۸ کشور جهان ۴۲ کشور حتی نمی توانند تا سال ۲۰۳۰ میزان گرسنگی را کم تر کنند. از این ۴۲ کشور ۲۸ کشور در آفریقا، صحرای جنوبی، جنوب آسیا، غرب و شرق آسیا تا آمریکای لاتین و کارائیب قرار دارند.

از سال ۲۰۲۰ به خاطر بیکار شدن های گسترده کارگران، شاهد افزایش چشمگیر گرسنگی هستیم. نیم گرسنگان در کشورهایی زندگی می کنند که دچار خشونت های درگیری های داخلی، جنگ و حوادث وحشتناک و حکومت های مستبد هستند. تغییرات محیط زیستی عامل دیگر ناامنی غذایی از طریق افزایش گرمایش زمین، تغییر الگوی بارش، بیشتر شدن حوادث آب و هوایی شدید است. پاندمی کوید ۱۹، امنیت غذایی را با بیکار شدن های گسترده کارگران و از دست دادن درآمد به خاطر قرنطینه، بیماری و یا مقررات شدیدی که دولت ها وضع کردند و هم چنین اختلال در سیستم تامین مواد غذایی، افزایش قیمت

بیکار جاری خود را لحظه ای و حلقه ای از یک جنگ سراسری برای نابودی نظام سرمایه داری کنیم.

مواد غذایی در شرایطی که بدن در خطر از دست دادن سلامت بود، مختل کرد. رکود اقتصاد جهانی با حاصل از پاندمی کوید ۱۹ عامل دیگری برای عدم امنیت تامین مواد غذایی بود. فقر البته که تنها منحصر به همین کشورها نبود فقر حتی در کشورهای پیشرفته سرمایه داری هم گسترش یافت. در اتحادیه اروپا ۲۴,۲٪ افراد زیر ۱۸ سال یعنی کودکان و نوجوانان در سال ۲۰۲۰ در خطر فقر قرار داشتند، هم چنین ۲۱,۷٪ نیروی فعال اقتصادی بین ۱۸ تا ۶۴ سال و ۲۰,۴٪ افراد بالای ۶۵ سال همین وضعیت فقر را داشتند. به طور مثال فقر را به عینه بدون پژوهش و تحقیق می‌توان در خیابان ها، در فروشگاه های مواد غذایی، در کنار سطل های زباله دید. در آلمان جستجوگران باطری های خالی آب و نوشیدنی که می‌شود به ۸ و ۲۵ سنت فروخت را در کنار سطل های زباله به ویژه زنان و مردان پیر موقر که روی آن خم شده اند دیگر همه جایی شده است در این کشور جمع کثیری از کارگرانی که کار تمام وقت دارند به دلیل دستمزدهای پایین زیر خط فقر محتاج کمک هستند. در آمریکا بزرگترین قدرت اقتصادی نظامی جهان از هر هشت نفر یک نفر غذای کافی برای خوردن ندارد. ۵۴٪ آمریکایی ها در سال ۲۰۲۰ برای گذران زندگی محتاج کمک بودند. ۲۱٪ آمریکایی های آفریقایی تبار، ۲۴,۲٪ بومیان اولیه و ۹٪ سفید پوستان آمریکایی با فقر مواجه اند که در مجموع ۴۰ میلیون آمریکایی زیر خط فقر زندگی می‌کنند. فقر برای کودکان هم امری طبقاتی بود. خطر فقر برای کودکان قشر پایین طبقه کارگر که معمولاً اکثرشان سطح بالای آموزشی را ندیده اند، ۵۰,۵٪ و برای قشر بالای این طبقه که تحصیلات سطح بالا دارند ۷,۷٪ است. همین طور است خطر فقر برای کودکان خانواده هایی که یکی از والدین شان مهاجر است نسبت به کودکانی که پدر و مادر بومی دارند تقریباً دو برابر یعنی ۳۲,۹٪ نسبت به ۱۵,۳٪ است.

در ایران بنا به گفته ی رئیس موسسه دولتی پژوهش تامین اجتماعی ایران، روزبه کردونی، در مصاحبه با ایسنا ۲۳ آبان ۱۴۰۰، در سال های اخیر جمعیت زیر خط فقر در ایران دو برابر شده است به نحوی که

خط فقر مطلق که در آن فرد از تامین حداقل نیازهای ضروری زندگی ناتوان است از سال ۹۶ تا ۹۹ از ۱۵,۵٪ به ۳۰,۶٪ رسیده است. جمعیت زیر خط فقر مطلق در مناطق شهری ۳۱,۸٪ و در مناطق روستایی به ۵۴٪ رسیده است که با این محاسبه بیش از ۳۱ میلیون نفر از جمعیت ۸۴ میلیونی کشور در فقر مطلق به سر می‌برند. گذشته از فقر مطلق، شمار زیادی از جمعیت جامعه در محدوده ی خط فقر هستند یعنی درآمدهای آنها تنها حداقل نیازهای شان را تامین می‌کند نه بیشتر. البته باید این مقدار و درصد را مثل همه ی اطلاعاتی که مسئولین در اختیار جامعه قرار می‌دهند و با واقعیت نمی‌خواند بسیار بالاتر دید به طور مثال خط فقر مطلق در سال ۹۹ با استفاده از آمارهای وزارت کار یک خانواده چهار نفره یعنی یک زن و یک مرد با دو کودک، ۳ میلیون و ۳۸۵ هزار تومان در نظر گرفته شده و کسانی که مثلاً ۴ میلیون تومان درآمد داشتند را شامل نشده است در حالی که در همین سال در بعضی از آمارهای رسمی تامین حداقل نیاز یک خانواده ۴ نفره را ۱۰ میلیون حساب کرده اند. چنان که می‌بینیم همواره صحبت از تامین حداقل نیازهای زندگی است نه یک زندگی شایسته انسانی با توجه به مجموع درآمدهای کشور یا تولید ناخالص داخلی و ملی.

توزیع نابرابر ثروت و امکانات، فقر را تغذیه می‌کند. تغییر توزیع با اصلاحات حل نمی‌شود، حل آن به تغییرات رادیکال نیاز دارد. به تغییر سیستمی که عامل این توزیع نابرابر است و اکثریت جمعیت را در یک زندگی بخور و نمیر نگه می‌دارد اما یک اقلیت انگل را پرور می‌کند. تغییر این سیستم از بالا توسط طبقه حاکم یعنی سرمایه داران و دولت نماینده او یا تشکیل اتحادیه های کارگری صورت نخواهد گرفت بلکه کار طبقه ی کارگر یعنی اکثریت جمعیت جامعه است که باید خود را برای این تغییر سازمان دهد. این امری طبقاتی است و نیاز به شرکت کل طبقه در تشکیلات طبقاتی اش دارد که با تجربه ی تاکتونی شوراها خواهد بود، اگر بخواید از این وضع فلاکت بار خود را و جامعه را رها سازد.

رژیم اسلامی سرمایه و قتل عام کارگران درمان

(متن تکمیلی ۲۶)

کارگران ضد سرمایه داری / آذر ۱۴۰۰

مرگ را به جان خریدند. در چنین وضعی کارگران بخش درمان از همان آغاز با اراده ای استوار، عزمی راسخ، عظیم ترین فداکاری ها، تحقیر مرگ و تکریم شرف انسانی به پا خاستند تا در میان آتش و خون آفریده سبعت ها و جنایت آفرینی های سرمایه داری و فاشیسم اسلامی سرمایه، از جان همزنجیران خویش دفاع کنند. آن ها در این گذر دست به پرشکوه ترین ایثارگری ها زدند، از جان خویش گذشتند تا پاسدار جان انسان ها باشند. کشته ها دادند تا دیگران را از مرگ برهانند. شمار واقعی جان باختگان این بخش طبقه کارگر مسلما از هزار افزون است. آنچه ما در اینجا در بیست و ششمین متن تکمیلی آمار کشتگان کادر درمان (بین ۲۶ مهر تا ۶ آذر ۱۴۰۰، اطلاعات قبل را در شماره های قبلی نشریه علیه سرمایه می یابید) می آوریم صرفا در برگیرنده نامهایی است که توانسته ایم از تاریکی زار ملامال از سانسور، خفقان، کنترل، بریدن زبان ها، شکستن قلم ها و دوختن دهن ها بیرون آریم.

طوفان ویرانگر بحران سرمایه داری، اپیدمی مرگ آور کووید ۱۹ مولود نکبت، ادبار و برهوت آفرینی سرمایه، عدم دسترسی کارگران به حداقل امکانات درمانی و حفاظتی برای مقابله با هجوم این بیماری مهلک، ابتلای چندین میلیون و مرگ و میر چند صد هزار نفری همراه با دنیای فقر، فلاکت، آوارگی، بی بهداشتی و بدبختی حاصل استیلای سرمایه داری، همه و همه به صورت کوه آسا بر زندگی کل توده های کارگر دنیا آوار است. در این میان وضعیت توده کارگر ایران از غالب مناطق جهان رعب انگیزتر، فاجعه بارتر و خرد کننده تر است. اینجا هر نفس کشیدن اعتراضی کارگران هم توسط فاشیسم اسلامی آماج حمام خون است، هیچ نوعی امکاناتی در اختیار کارگران برای حفظ جان خود از خطر بیماری موجود نیست. کل کارگران از خردسال تا لب گور مجبورند برای امرار معاش روزانه، برای تأمین هزینه درمان و دارو، برای سیر تا پیاز «زندگی» به کار در هر شرایطی حتی در میان طوفان تاخت و تاز کووید ۱۹ تن به کار شاق دهند و خطر

مطالبه هر عده همزنجیران را موضوع اعتصاب کل طبقه خود کنیم

۸۳۵	شهریار رشنو / متخصص طب اورژانس بیمارستان بوشهر	۸۳۶	پیمان حسن پور / رادیولوژیست بیمارستان تبریز
۸۳۷	جواد یار احمدی / متخصص گوش و حلق و بینی بیمارستان شیراز	۸۳۸	علی اکبر نادری / کادر درمان بیمارستان کرمانشاه
۸۳۹	لیلا رحیم نیا / کادر بانک خون بیمارستان سنندج	۸۴۰	منیره فروغی / رزیدنت جوان بخش زایمان علوم پزشکی تهران
۸۴۱	عبد الله عسگری / متخصص اورژانس بیمارستان آذرشهر	۸۴۲	سیامک جعفری / متخصص اورژانس بیمارستان بم
۸۴۳	محمد سالاری / پرستار بیمارستان جیرفت	۸۴۴	یزدان عزیزی / پرستار بیمارستان فارابی کرمانشاه
۸۴۵	جواد زارع / متخصص اورژانس بیمارستان تبریز	۸۴۶	بهارک رشیدی / کادر جوان مرکز بهداشت کرمانشاه

برخی گزارشات حوزه درمان سرمایه

۴ آبان ۱۴۰۰ / اعتراض کارگران خرید خدمتی اورژانس تهران به افزایش شیفیت کاری و سختی و شدت کار خود.

شنبه ۸ آبان / دستیاران تخصصی بیمارستان امام حسین در اعتراض به سطح نازل دستمزد، عدم پوشش بیمه مسئولیت دستیاران و عدم پرداخت حق کمک جراح دست به اعتصاب زده و کلیه اقدامات درمانی الکتیو بیمارستان را تعلیق کردند. کارکنان اعلام کرده‌اند از آغاز این اعتصاب، از شرکت در درمانگاه‌ها، اعمال جراحی الکتیو و اقدامات پارکلینیک الکتیو و ویزیت بیماران الکتیو خودداری خواهند کرد اما طبق وظیفه اخلاقی خدمت رسانی به بیماران اورژانسی ادامه خواهد یافت. کارکنان معترضان خواستار حداقل ۲ برابر شدن کمک هزینه ماهانه دستیاران از ابتدای سال ۱۴۰۰ و واریز فوری مابه التفاوت ۶ ماه اول، افزایش کارانه به ۴ درصد حق حرفه‌ای، پوشش بیمه مسئولیت دستیاران و پرداخت حق کمک جراح می‌باشند.

۱۱ آبان / رانندگان سرویس کارکنان بیمارستان بندرعباس در اعتراض به عدم پرداخت دستمزدهای معوقه و نازل بودن دستمزدهای خود اعتصاب کردند.

۱۵ آبان / پرستاران و کادر سلامت سازمان مدافع سلامت در اعتراض به سطح نازل دستمزدها، عدم امنیت شغلی آنان در مقابل سازمان برنامه و بودجه دست به تجمع زدند.

۱۶ آبان / پرستاران تامین اجتماعی تهران در اعتراض به سختی کار، سخت و زیان‌آور بودن شرایط کار و برای بازنشستگی با ۲۰ سال بیمه پردازی، امروز (یکشنبه، ۱۶ آبان) مقابل مجلس شورای اسلامی سرمایه تجمع کردند.

۲۳ آبان / کارکنان «دانشگاه علوم پزشکی و خدمات بهداشتی و درمانی استان فارس» در اعتراض به سطح نازل دستمزدشان و در اعتراض به عدم اجرای برقراری فوق العاده خاص با ضریب ۳ تجمع کردند.

۲۹ آبان / کادر سلامت ایلام در اعتراض به عدم افزایش دستمزدهایشان جلوی دانشگاه علوم پزشکی ایلام دست به تجمع زدند.

۶ آذر / کادر درمان حوزه بهداشت و درمان سرمایه در تهران و اصفهان در اعتراض به عدم امنیت شغلی، سطح نازل دستمزدها، شرایط سخت کار امروز (شنبه/۶ آذر ماه) مقابل سازمان های دولت سرمایه تجمع کردند.

کنفرانس گلاسکو، هیاهویی فریبکارانه

ابراهیم پاینده / آذر ۱۴۰۰

سران ۲۰۰ دولت سرمایه در ۱ نوامبر ۲۰۲۱ در گلاسکو بریتانیا به دور هم جمع شدند تا طی نزدیک به دوهفته با سخنرانی های پر طمطراق و صدور آفیش های پرفریب، زشت ترین دروغ ها را در لفاف تصمیم برای مقابله با گرمایش زمین!! تحویل کارگران دنیا دهند. اینکه مقابله با افزایش گرمای زمین در سطح ۲ درجه تا سال ۲۱۰۰ را در برنامه کار دولت ها قرار می دهند! اینان پیشتر نیز در بیش از چند ده جلسه و کنفرانس بین المللی و از جمله در بزرگترین آن، کنفرانس ۲۰۱۵ پاریس، سخنرانی هایی که گوش ها را کر می کرد، قول و قرارهایی گذاشتند که هیچکدام عملی نشد و نیز قرار نبود جامع عمل ببوشد.

براساس تحلیل محیط زیست سازمان ملل (UNEP) در اکتبر ۲۰۲۱ جهان در مسیر افزایش ۲/۷ درجه ای دما قرار دارد. در حالی که همین تخمین نیز بسیار خوشبینانه است. گرمای زمین هم اکنون ۱/۲ درجه از ۱۸۸۰ بیشتر است. بیشترین افزایش این حرارت نیز در همین دهه اخیر رخ داده است. این روند اگر با این سرعت پیش تازد، ۲ درجه افزایش حرارت زمین در سال ۲۰۳۵ واقعیت خواهد یافت و تا سال ۲۱۰۰ به ۴ درجه خواهد رسید. چند درجه افزایش حرارت کره زمین شاید به نظر زیاد نیاید، اما همین حالا ما شاهد تاثیرات مخرب و فاجعه بار افزایش یک درجه ای آن هستیم.

در این کنفرانس ها و مجالس مشابه چنان که رسم بوده سرمایه سخن می گوید و گویندگانش از بوریس جانسون تا بایدن و همه مدیران سرمایه عریان، وقیح و شنیع تصریح می کنند که تا این جا و این روز از ابعاد فجایع اطلاعی نداشته اند و گویا قرار است از این به بعد به فکر چاره باشند!! شیادی این مدیران سرمایه تا بدان جا پیش رفته که حتی منکر اطلاعات و داده های غول های نفتی می شوند. اسنادی که مطابق آنها شرکت های صنعت انرژی نظیر کمپانی شل، اکسون و بی پی از قبل می دانستند که بین محصولات آنها و گرم شدن کره زمین پیوند برقرار است. در حدود ۴۰ سال پیش شرکت های نفتی مثل اکسون و شل ارزیابی هایی در خصوص دی اکسید کربن تولید شده از سوخت های فسیلی آن ها و پیامدهای انتشار آن برای کره زمین انجام دادند. در سال ۱۹۸۰ شرکت اکسون پیش بینی کرده بود که تا سال ۲۰۶۰ سطح گاز دی اکسید کربن به ۵۶۰ جزء در میلیون (ppm) خواهد رسید و این امر موجب می شود که دمای متوسط کره زمین تا حدود ۲ درجه در مقایسه با دوران پیش از گسترش سرمایه داری صنعتی افزایش پیدا کند. فقط چند سال پس از آن یک گزارش داخلی در کمپانی شل از پیامدهای یکسانی خبر می داد، اما مطابق گزارش شل رسیدن به این سطح حتی ممکن بود زودتر یعنی تا سال ۲۰۳۰ اتفاق بیافتد.

این شرکت ها شکی نداشتند که پیوندی میان محصولات آنها، گرم شدن کره زمین و صدمات محیط زیستی ناشی از آنها برقرار است. مطابق ارزیابی شرکت شل پیش بینی می شد که سطح آب دریاهاى جهان یک متر بالا بیاید و گرم شدن کره زمین همچنین ممکن است به از بین رفتن لایه های یخی قطب جنوب بیانجامد (چیزی که در حال حاضر شاهد آن هستیم)، که به بالا آمدن سطح آب دریاها در سرتاسر کره زمین در حد «پنج تا شش متر» منجر خواهد شد. در کنفرانس پاریس در سال ۲۰۱۵ گفته می شد تا آن موقع جهت کنترل افزایش بیش از دو درجه حرارت زمین، بیش از نیمی از بودجه تعیین شده در مورد گاز کربنیک مصرف شده بود. حتی اگر آن وقت شروعی برای کاهش استفاده از سوخت های فسیلی می بود می بایست تا سال ۲۰۳۰ استفاده از این سوختها پایان یابد!! در غیر این صورت سناریوی افزایش ۴ درجه حرارت تا سال ۲۱۰۰ سناریویی واقعی خواهد بود.

سخنگویان دولت های سرمایه در کنفرانس های تاکنونی شان هنوز در قطعنامه هایشان بطور رسمی جمله ای دال بر ارتباط افزایش حرارت زمین با سوخت های فسیلی نگنجانده اند. شیادی و حقه بازی سیاستمداران، دولتمردان و حتی برخی سازمان های محیط زیستی تا بدان جا پیش رفته است که وانمود می کنند در حال مجاب کردن یکدیگر در این امر هستند. در کنفرانس های آب و هوایی رسم است که دولت های سرمایه و موسسات آن ها به برخی از هم پیمانان استراتژیک خود مدال های افتخار می دهند و برخی دولت ها را مسبب این وضعیت فلاکتبار معرفی می نمایند. کنفرانس گلاسکو مانند تمام کنفرانسهای مشابه، اهل ایجاد هیچ محدودیتی برای سرمایه نیستند، ارتباط ماهوی و غیرقابل گریز موجودیت سرمایه داری با فجایع زیست محیطی، نسل کشی ها، جنایت ها، گرسنگی ها و آوارگی ها را کتمان می کنند. اما دروغ ها و فریبکاریهای سرمایه داران و دولتها را به خورد مردم می دهند که گویا به مسائل محیط زیست انسان ها می اندیشند!



مزد برای خانه داری مطالبه ماست

کارگران ضد سرمایه داری / آذر ۱۴۰۰

در خانه بمانند و به امر خانه داری مشغول باشند!! اگر طبقه سرمایه دار و دولتش زیر فشار قدرت جنبش کارگری خود را مجبور به قبول این مطالبه ببیند، آنگاه این طبقه و دولتش و از جمله همین دولت‌ها طبقه سرمایه دار ایران بسیار شتابناک تر از محافل چپ و فمینیست دست به کار بیرون کشیدن زنان از خانه‌ها و اشتغال و استثمار هرچه وسیع تر زنان در قلمرو کارهای خارج از خانه خواهد شد. تن دادن طبقه سرمایه دار اروپا و بیش از همه کشورهای اسکانندیناوی به توسعه مهد کودک‌ها، رختشویخانه‌های عمومی و مراکز نگهداری از پیران و معلولان و نهادهای مشابه در همان حال که محصول جنبش‌های عظیم کارگری، انترناسیونال اول، کمون پاریس و انقلاب اکتبر بود، بدون شک محاسبات سودپرستانه و صرفه جویانه نیز در آن نقش مؤثری داشت. سوسیال دموکراسی نه از سر «تمدن» و «حقوق زنان» که اتفاقاً از سر محاسبه سود و زیان سرمایه است که بعضاً اینجا و آنجا با بخشهای منحل و مذهبی طبقه سرمایه دار که خواستار دادن مستمری به زنان برای نگهداری کودکان در خانه هستند همراه نشده است. خانه داری کاری شاق و تباه کننده فکر و شعور زنان است. پخت و پز و نظافت، نگهداری کودک و مراقبت از سالمندان، بیماران و معلولان همه باید به بیرون خانه منتقل شود. زنان کارگر به این دلیل تن به قبول این کارها می دهند که زیر فشار تنگدستی قادر به پرداخت هزینه رستوران و مهد کودک

سرمایه داری بر کارمندی و استثمار کارگران استوار است. یک راهکار اساسی برای پایین نگهداشتنمزدها پاسداری از تقدس خانه داری است. طبقه سرمایه دار از طریق کارخانگی، هزینه تولید خود را به میزان بسیار هنگفتی پایین می آورد، کل هزینه‌های پرورش نیروی کار، ایجاد مهد کودک و نگهداری بیماران و پیران را بطور رایگان بر دوش طبقه ما آوار می کند. به جای پرداخت بهای نیروی کار دو کارگر فقط دستمزد یک کارگر را پرداخت می کند و رود خروشان سودها را خروشان تر می سازد. با تلقی خانه داری به عنوان وظیفه اصلی زنان، همچنین می توان کار خارج از خانه آنان را کاری غیر ضروری و موقتی تلقی کرد، آنها را با مزد کمتری به کار گرفت و مطیع تر در محیط کار استثمار کرد.

رویکرد ضد سرمایه داری کارگران، پرداخت مزد برای کار خانگی را سلاحی بسیار مؤثر در پایان دادن یا لاقط محدود ساختن کار خانگی می داند. این مزد نه به شکل دروغین و کاریکاتوری حق عائله مندی که به همسر وی پرداخت می شود بلکه باید معادل دستمزد هر کارگر شاغل باشد و به حساب هر زن خانه دار واریز شود.

فمینیست‌ها در مخالفت اظهار می کنند که این مطالبه، خانه نشینی زنان را دائمی می نماید!! بسیار باورنکردنی است که اگر طبقه سرمایه دار و دولتش مجبور به پرداخت تریلیونها تومان مزد برای خانه داری گردند همچنان اصرار بورزند که زنان

چندانی به سرمایه داری پیدانمی کنند!! مبارزه طبقه کارگر برای محو ریشه های واقعی وجود کار خانگی را اصلاً لازم تلقی نمی کند!! این رویکرد، حداکثر انتظاراتش اینست که زنان به جای کار در خانه، در مراکز کار مورد استثمار قرار گیرند و به جای محو کار مزدی، خواستار برابری مزدها گردند. در خیلی موارد هم داغدار کمبود چند وزیر و وکیل زن در برنامه ریزی نظم سرمایه و اعمال این نظم بشرستیزانه بر طبقه کارگرد.

یک بار دیگر تأکید می کنیم که برای کارگران ضد سرمایه داری، اساس امحاء کامل کار خانگی است، اما مطالبه مزد برای خانه داری، سنگر مشترک زن و مرد کارگر برای ارتقا سطح زندگی است. وابستگی اقتصادی زن به مرد را دچار تزلزل خواهد کرد. ضربه کوبنده ای بر مردسالاری، جنس دوم بودن و حقارت زنان وارد می سازد. با اتخاذ این رویکرد از سوی کل طبقه کارگر، توده وسیع زنان کارگر اعتراض به تبعیضات جنسی را نه در پیوستن به گمراهه های کاپیتالیستی فمینیسم که در پیکار سراسری جنبش ضد سرمایه داری جستجو خواهند نمود و در مبارزات ضد سرمایه داری طبقه خود نقش مؤثرتری احراز خواهند کرد.

و مؤسسات نگه داری سالمندان نمی باشند. با دریافت مزد برای خانه داری، زنان خواهند توانست خود را از اجبار به انجام کارخانگی برهانند و همه این امور را به مؤسسات عمومی محول سازند. ناگفته نماند همین امروز در اروپای غربی و شمالی، خانه داری در سطحی بسیار وسیع وجود دارد. تمامی زنان و مردانی که هر کدام در کارخانه و مدرسه و بیمارستان و سایر مراکز کار برای سرمایه کار می کنند و استثمار می شوند همچنان ساعات زیادی را هم در درون خانه کار می کنند و این کار باز هم در خدمت بازتولید نیروی کار مزدی خود آنان و در خدمت بازتولید سرمایه و ارزش افزائی سرمایه است. مطالبه مزد برای خانه داری در پیوند با سایر مطالبات ضد سرمایه داری همچون رایگان شدن مهد کودک، آموزش و پرورش، بهداشت و درمان، نگهداری و مراقبت از بیماران و معلولان و سالخوردهگان، رهایی از خانه داری را بطور قطعی تری امکان پذیر می سازد.

از منظر فمینیسم رفرم طلب، سرمایه مدار و چپ نما وجود کار خانگی در بقایای نظامهای کهنه تاریخ و اعتقادات عقب مانده دولتها و مردان ریشه دارد!! وجود خانه داری ربط





زنان سرپرست خانواده

امید خرم / آذر ۱۴۰۰

می پردازند و فراوان زنان دیگر همگی زنان کارگر نفرین شده سرپرست خانواده اند. هیچ کدام این زنان بیمه نیستند و تا زمان مرگ ناگزیرند کارکنند، اینان بخش بزرگی از طبقه کارگر هستند اما پراکنده اند. نه تنها مطالبات اینان در مبارزات کارگری طرح نمی شود بلکه به عنوان بخشی از کارگران مزدی هم محسوب نمی گردند. برای خلاصی از جهنمی که نظام اسلامی سرمایه ساخته است راهی جز مبارزه سراسری شورایی با سرمایه نداریم. این بخش از طبقه کارگر باید پا پیش گذارد، به میدان مبارزه با سرمایه وارد گردد، با حضور نیرومند در مبارزه، جماعت سازشکار اهل تحصن و دخیل بندی به دولت سرمایه را از کار خود شرمسار سازد. زنان کارگر تاریخا مهم ترین سهم را در پیشبرد پروسه پیکار ما علیه سرمایه داشته اند.

زنان سرپرست خانواده و زنانی که برای سد جوع مجبورند علاوه بر خانه داری تن به کارهای جانکاه بدهند بخش قابل توجهی از طبقه کارگر ایران را تشکیل می دهند. زنان کارگر نورآباد و الشتر در استان لرستان، زنان کارگر گیلانی که در شالیزارها تا زانو در گل و لجن کار نشا انجام می دهند، زنان کرد و افغانی و قزوینی که در کار طاقت فرسا و وجین علف های هرز و میوه چینی با دستمزدی ناچیز کار می کنند، زنان بلوچ و بندرعباس و کنگان که با ماهیگیری نان روزانه کودکان خود را تأمین می نمایند، زنان سیاه روزی که برای خورد و خوراک محقر فرزندانیشان مجبور به تن فروشی هستند، زنانی که در تهران، تبریز، اصفهان و... در کارخانه های نساجی فرسوده می شوند یا به دستفروشی، نظافت خانه ها یا نگه داری از بیماران و سالمندان

کودکان کار

امید خرم / آذر ۱۴۰۰

بهره کشی از نیروی کار کودکان کار یکی از عوامل مهم در بالابردن نرخ سود سرمایه است. آمار دقیقی در رابطه با جمعیت کودکان کار در دست نیست. آمار ۴ سال پیش نشان می دهد ۲۵۷ میلیون کودک کار در جهان وجود دارد. بعضی منابع آماری در رژیم جمهوری سرمایه ۱۶۰ میلیون را ذکر کرده اند که به هیچ وجه قابل استناد نیست. این آمار، کودکان کار در ایران را بین ۳ تا ۷ میلیون بیان کرده اند. ولی آنچه اظهار من الشمس است این است که خانواده های کارگری به خاطر قهر بی امان اقتصادی فرزندان خود را از تحصیل باز می دارند تا با کار این کودکان کمی از گرسنگی افراد خانواده بکاهند. واقعیت امر آن است که کودکان خود را به کام سود جویی سرمایه می فرستند تا چند صباحی را سر کنند و فرزندان شان هم مرگ تدریجی را تجربه کنند. کنوانسیون کودکان کار مثل همه قوانین نظام سرمایه داری در جهت سودجویی صاحبان سرمایه است و طبیعی است که دولت های سرمایه قوانین را در راستای منافع صاحبان سرمایه وضع می کنند. آنچه رفرمیست ها در مدح و ثنای قوانین سرمایه به توده های کارگر حقنه می کنند و کارگران را به دخیل بستن آستان

بورژوازی می کشانند آب به اسباب دشمن طبقه کارگر ریختن است. رژیم اسلامی سرمایه سال ۱۳۷۲ عضو این کنوانسیون شد. طبق قانون بورژوازی کودکان تا سن ۱۸ سالگی نباید کار کنند. اما این قانون به ظاهر موجه، بهترین دستمایه برای به کار گیری کودکان کار با دستمزد بسیار کم ۵۰۰ تا ۷۰۰ هزار تومان و کمتر شده است. استثمار وحشیانه کودکان محدود به کشورهای امثال ایران نمی شود. در کشورهای با سرمایه های امپریالیستی هم این پدیده وجود دارد. در کشورهای امریکای لاتین چون برزیل، مکزیک و... کودکان کار به وفور وجود دارند. در ایران طبق آمار دولت سرمایه، ۴۹۹ هزار کودک کار بین ۵ تا ۷ سال وجود دارند که در خیابان ها به زباله گردی و گل فروشی مشغولند. این بخش از کودکان کار در خیابان ها سرگردان در جست و جوی پر کردن شکم خود هستند. به خاطر موقعیت کاریشان به چشم می آیند اما بخش عظیمی از ۸ سال تا ۱۸ سال در مغازه ها پادویی می کنند و بخش بزرگتری در کارگاه ها با دستمزدی بسیار ناچیز یک میلیون و زیر یک میلیون در کارگاه های مختلف کار می کنند. اکثرا در روند کار به بیماریهای کشنده مبتلا می شوند. در

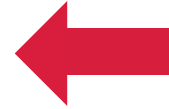
کارگاه های کوچک نساجی با کار ۱۲ ساعته یا بیشتر به بیگاری کشیده می شوند. صاحبان سرمایه به خاطر دستمزد پایین و عدم پرداخت بیمه به استخدام این قبیل کارگران بیشتر مایلند. از این طریق هزینه تولید کالا را کاهش می دهند و از سوی دیگر بیشترین تولید ارزش اضافی را انباشت می کنند. خطر ابتلا به بیماری های عفونی و مشخصا کرونا موضوع جدی دیگری است که زندگی کودکان کار را تهدید می کند. کودکان کاری که به کار جمع آوری زباله و تفکیک زباله ها مشغولند با دستمزد نازل توسط مقاطعه کاران به کار گرفته می شوند و بسیاری از این کودکان کار به انواع بیماری ها مبتلا شده اند. شدت و حدت این بیماری ها چنان بالا گرفته که روزنامه های دولت سرمایه هم به آن پرداخته اند اما سود آوری تولید ارزش اضافی ان چنان بالا است که کار کودکان که به طلای سفید معروف است مقاطعه کاران دولتی و خصوصی برای سهم بری بیشتر از حاصل کار این کارگران را به جان هم انداخته است. سو استفاده های جنسی از کودکان کار خود ماجرای جان سوزی است که باید در فرصت دیگری به آن پرداخت.



ترجمه: دفاع از محیط زیست بدون مبارزه طبقاتی فقط باغبانی است.

رفیق کارگر ما دفاع از محیط زیست بدون مبارزه طبقاتی را «باغبانی» خوانده است. پیداست که منظورش باغبانی برای سرمایه داران است. اما حتی اگر مراد وی این باشد باز هم تعبیری محافظه کارانه و ناروا است. باغبانی در نظام سرمایه داری، فروش نیروی کار به سرمایه است. کارگر باغبان زیر فشار جبر معیشتی مولود بردگی مزدی و برای زنده ماندن، خود را مجبور به فروش نیروی کار می بیند، با این کار قصد صحه گذاشتن بر حقانیت، اعتبار یا انسانی خواندن!! سرمایه داری ندارد. تا هر کجا توان دارد علیه شدت استثمار سرمایه می جنگد و دریافت سنار و سی شاهی افزایش مزد را اصلاح، منزه گردیدن، انسانی شدن سرمایه داری نمی بیند. مدافعان محیط زیست و فراری از حضور در سنگر پیکار طبقاتی، بالعکس هیچ نقدی بر سرمایه داری ندارند. این نظام و کل بربریت و سبعتش علیه بشریت، آنچه تاریخا بر سر طبقه کارگر جهانی آورده است را مورد تأیید قرار می دهند. سرمایه داری را از تمامی درندگی ها و انسان ستیزیهای سرشتی خود به طور کامل تبرئه می نمایند. نقش این نظام در آکندن جهان از فقر، گرسنگی، آوارگی، بی خانمانی، بی بهداشتی، تبعیضات جنسیتی، کودک کشی و بالاخره فاجعه های سهمگین و رعب انگیز زیست محیطی را انکار می نمایند. حاضر به کاویدن ریشه این فاجعه ها و آلودگیهای بشریت بریاد ده، در ژرفنای سرمایه داری نیستند و با تمامی توان راه این ریشه یابی را سد می سازند.





ما عده‌ای کارگریم، تا چشم باز کرده‌ایم شاهد استثمار وحشیانه پدران و مادران، همسایگان و اهالی محله کارگرنشین خود و همه کارگران توسط سرمایه‌داران و سرمایه‌بدهایم. با گوشت و پوست و رگ و خون خود لمس نموده‌ایم که کلیه سرمایه‌ها و ثروتها توسط طبقه ما تولید میشود و دنیای فقر و فلاکت و سیه‌روزیها نیز بیش از پیش بر سر طبقه ما آوار می‌گردد. هرچه بیشتر تولید کرده‌ایم عمیق‌تر از وسائل کار و تولید و محصول کار خود جدا شده‌ایم. هرچه بر قدرت سرمایه افزوده‌ایم خود فرسوده‌تر و حقیرتر شده‌ایم. با چشم باز و با همه وجود مشاهده کرده‌ایم که دولت، ارتش، قانون، حقوق، اخلاق، فرهنگ، پلیس، دین، مسجد، منبر و همه چیز جامعه موجود متعلق به طبقه سرمایه‌دار، مدافع سرمایه‌داری، علیه ما و در خدمت ماندگاری استثمار وحشیانه ما توسط سرمایه است. همه شعور و شناخت و ذهن و فکر و عقل و احساس و ادراک ما با این واقعیتها آمیخته است. ما به حکم کارگر بودن خویش به صورت خودجوش، ضد سرمایه‌داری و علیه بردگی مزدی هستیم. فلسفه و دانش و تخصص و فضل ویژه‌ای هم لازم نیست تا ضدیت با سرمایه را به ما بیاموزد. ریشه و بنیاد سرمایه‌ستیزی خودجوش ما در اینجا، در عمق این واقعیتها است. ما گروه، حزب، سازمان، کمیته و هیچ دار و دسته‌ای نیستیم. اینگونه تشکلهای ما را که از بالای سر کارگران ساخته می‌شوند ابزار تبدیل جنبش طبقه ما برای چانه‌زنی با سرمایه‌داران و کسب قدرت دولتی می‌دانیم. این نوع تشکل‌سازی‌ها حتی اگر با جنجال‌های ضد سرمایه و چپ‌نمایانه همراه باشد، راه و رسمی غیر کارگری است. سازمانیابی طبیعی طبقه ما شورا است. در متن مبارزه شورائی باید با هم به گفتگو بنشینیم، تجارب و آگاهی خود را به هم منتقل کنیم و برای ارتقای رویکرد ضد سرمایه‌داری خودجوش طبقه خود بکوشیم. ما این نشریه را منتشر نمی‌کنیم تا مبارزات کارگران را رهبری کنیم!! نه فقط چنین ادعایی نداریم که هرگونه مرجع و مقلد و هرمیزان تبعیت جنبش کارگری یا توده کارگر از اراده رهبران را فاجعه‌ای برای این جنبش و انحراف از ریل واقعی پیکار ضد سرمایه‌داری می‌دانیم. می‌خواهیم که این نشریه تریبونی برای اثرگذاری سرمایه‌ستیزی در مبارزه روز ما کارگران باشد. اثرگذاری تعداد هرچه بیشتری از کارگران در تعیین راه و رسم و پیچ و خم مبارزه طبقاتی برای رفع و دفع تعرضات همیشگی سرمایه‌داران و رهایی نهایی از شر وجود سرمایه‌داری، هدف انتشار «علیه سرمایه» است.

website
Email
telegram
instagram

www.alayhesarmaye.com
kargarshora19@gmail.com
@ alayhesarmaye
@ alayhesarmaye